نگاه

مقاومت در برابر رفع تبعیض علیه زنان

فریده غیرت*

مصاحبه سرکار خانم دکتر طبیب‌زاده را بعد از تصدی مرکز امور زنان و خانواده خواندم و مانند بسیاری از زنان به‌شدت متاسف و متاثر شدم. آنچه مرا به‌عنوان کسی که حدود ۴۰ سال است با مسائل و مشکلات و کمبودهای قانونی زنان سروکار دارم، به نگارش این سطور واداشت، تجربه طولانی و شناختی است که در این راه دارم و حاصل دیده‌ها و برخوردهای من با این کمبودها است.

دکتر طبیب‌زاده اعلام کرده‌اند «مشکلات حقوقی را انکار نمی‌کنم» اما قطعاً با مشکلات زنان آن‌طور که ما سروکار داشته‌ایم آشنا نیستند که اگر بودند اینچنین نسبت به الحاق ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان موضع‌گیری نمی‌کردند.

اگر کشور جمهوری اسلامی ایران نیز مانند برخی از کشورها، در صورت الحاق به این کنوانسیون آن را با حق تحفظ می‌پذیرفت، در این صورت چه نگرانی و چه خطری جامعه مسلمان ایرانی را تهدید می‌کرد؟ و اساساً کدام‌یک از مواد این کنوانسیون با شرع مقدس اسلام اختلاف اساسی و لاینحل دارد که اینچنین موجبات نگرانی شما را فراهم کرده و به مخالفت با آن برخاسته‌اید؟

رئیس مرکز امور زنان و خانواده یا به عبارتی مرکز مشارکت زنان سابق با اعلام قاطعی که در مخالفت با این کنوانسیون آن هم در اوایل قبول ریاست مرکز امور زنان، ابراز داشته و گفته‌اند «تا زمانی که من اینجا هستم، هرگز به این کنوانسیون نخواهیم پیوست» معلوم نیست آیا در زمان ابراز این نظر رضایت جامعه زنان را نیز در نظر داشته‌اند یا خیر؟ من و افرادی چون من که دغدغه مسائل و مشکلات زنان را داریم، در مواردی برای حفظ اصولی که به آن پایبند هستیم و برای آن که لطمه‌ای به بنیان باورها و اعتقادات ما وارد نشود، با کوچک جلوه دادن آن مشکلات و کمبودها، به دفاع از آن می‌پردازیم.

رئیس مرکز امور زنان و خانواده گفته است که مشکلات حقوقی زنان را انکار نمی‌کند، ما سال‌ها است که شاهد این مشکلاتیم و با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنیم. قبل از انقلاب با این کمبودها مواجه بودیم ولی امید آن داشتیم که بعد از انقلاب اسلامی ایران با تغییر نگرش به زن و نتیجتاً تغییر قوانین و رفع کمبودها روبه‌رو شویم و شاهد آن باشیم که زنان ایرانی به‌عنوان نیمی از کسانی که بار انقلاب را بر دوش داشتند، مزد و پاداش خود را دریافت کنند ولی متاسفانه با حرکت بسیار بطئی و کند اصلاح برخی از قوانین (نه تغییر) و عدم تغییر در نگرش به زن و حقوق او، همچنان شاهدیم که جواب موثر و مفیدی به مطالبات زن ایرانی داده نشده است و زنان ما همچنان در انتظارند.

ما معتقدیم که فقه پویای شیعه توان تغییر و دگرگونی در مسائل حقوقی زنان را دارد ولی آیا با سخت‌گیری و سخت‌نگری می‌توان این پویایی را به حرکت درآورد؟ آیا الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که تاکنون مورد پذیرش و قبول اکثر کشورهای مسلمان نیز واقع شده حرکتی در این جهت نیست؟ زن ایرانی آماده پذیرش تحولات زیادتری در قوانین بوده و شایستگی برخورداری از آنها را نیز دارد. حق‌خواهی و دست یافتن زنان به حقوق بشر، مستلزم دور شدن از اصول اخلاقی که حیثیت و شرف زنان را شامل می‌شود، نیست و رئیس مرکز امور زنان و خانواده نیز حتماً به این قضیه واقف است.

مسائل و مشکلات حقوقی زنان آنقدر وسیع است که تشکیل یک کمیته حقوقی نمی‌تواند جوابگوی آن بوده و راه‌حل آن را بیابد. مطالبات بحق زنان آنقدر متعدد است که نیازمند تشکیل کمیته‌های مختلف با حضور و تحت‌نظر کارشناسان صاحب‌نظر و آگاه است. باید اعتراف کرد ما در تغییر قوانین و تطبیق آن با دنیای امروز بسیار عقب هستیم. قوانین و مقررات ما هرگز قادر به جوابگویی به خواست‌ها و مطالبات زن امروز مسلمان ایرانی نیست. توقف و سخت‌اندیشی کافی است. جهان بر این اندیشه ما بر ما خرده می‌گیرد و دامنه تبلیغات منفی علیه ما گسترده‌تر می‌شود.

* وکیل پایه یک دادگستری

واگذاری هتل‌های هما غیرقانونی نیست

ایسنا: هیات عمومی دیوان عدالت اداری مصوبه دولت درخصوص واگذاری تمام سهام شرکت هتل‌های هما به سازمان تامین اجتماعی و بازنشستگی کشوری را خلاف قانون تشخیص نداد. معاون قضایی دیوان عدالت اداری درباره مصوبه اخیر هیات عمومی دیوان عدالت اداری اظهار داشت: به دنبال شکایتی از مصوبه هیات وزیران در مورد واگذاری ۵۱ درصد از سهام شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با هتل‌های هما به صندوق بازنشستگی کشوری، این موضوع در هیات عمومی دیوان مطرح و بررسی شد. از این رو خواستار ابطال این مصوبه بود.» مقدسی‌فرد با بیان بررسی این موضوع در هیات عمومی دیوان عدالت اداری و استدلال هیات عمومی در این باره خاطرنشان کرد: «قانونگذار به موجب تبصره‌های بودجه سنواتی این اجازه را به دولت داده تا بتواند بابت بدهی خود به سازمان‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی کشوری و استان قدس رضوی، مقداری از اموال و دارایی‌های خود را در شرکت‌ها تحت عنوان سهام یا مالکیت خود در اموال منقول و غیر منقول به این سازمان‌ها پرداخت کند.» معاون قضایی دیوان عدالت اداری در ادامه به تفسیر مجلس شورای اسلامی از ماده ۱۲۹ قانون برنامه سوم توسعه اشاره کرد و افزود: «طبق تفسیر مجلس شورای اسلامی از ماده مذکور، مفاد ماده ۱۲۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹- که ناظر بر واگذاری سهام و اموال دولت و موسسات و شرکت‌های دولتی وابسته به آن به بخش خصوصی و تعاونی است- به هیچ عنوان نافی حقوق و اختیارات دولت و واگذاری سهام و اموال دولت و موسسات و شرکت‌های مزبور (از جمله واگذاری سهام شرکت هواپیمایی آسمان) به صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان تامین اجتماعی و آستان قدس رضوی به منظور تادیه دیون دولت در اجرای احکام قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیست.»

نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و حقوق مالکان

سمیرا وکیلی

طرح‌ها: فیروزه مظفری، شرق

با روند افزایش روزافزون جمعیت شهری و تولید انبوه خودرو و عدم گنجایش خیابان‌ها، نقشه‌های سابق شهر تهران جوابگو نیست. برای حل این مشکل شهرداری ناگزیر از تعریض خیابان‌ها و معابر است که در این میان گاه بین منافع عمومی و حقوق افراد تعارض پیش می‌آید و به‌طور معمول به‌رغم احترام به مالکیت خصوصی، منافع عمومی بر مالکیت اشخاص اولویت می‌یابد و شهرداری به شرط جبران خسارت تعرض به حقوق خصوصی افراد اقدام به تعریض خیابان‌ها می‌کند. این اقدام شهرداری با این سئوال در اذهان عمومی مواجه می‌شود که تکلیف افرادی که املاکشان در طرح‌های عمرانی و شهری قرار می‌گیرد چیست و شهرداری با توسل به کدام قانون این اقدامات را انجام می‌دهد؟ سعید دهقانیان کارشناس حقوقی شهرداری در این خصوص می‌گوید: «قانونگذار اولین بار در آذرماه سال ۵۸ لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداری‌ها را تصویب کرد. این قانون در بهمن ماه همان سال با اصلاحاتی به‌صورت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی دولت تصویب شد که در حال حاضر در انجام پروژه‌های عمرانی شهرداری ملاک عمل است.» دهقانیان درباره نحوه عمل شهرداری برای اجرا و توسعه طرح‌های عمرانی و تصرف املاک افراد توضیح می‌دهد: «وقتی شهرداری‌ها برای احداث یا توسعه خیابان‌ها و معابر و اجرای طرح‌های ضروری احتیاج به اراضی و املاک اشخاص داشته باشند و به صورتی که اجرای طرح در محل دیگر موجب بروز خسارت عمده‌ای بشود، شهرداری‌ها طبق ماده یک لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی املاک مصوب اسفند ۵۸، با تصویب طرح پیشنهادی کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری و تایید ضرورت اجرای طرح توسط وزیر کشور اقدام به تامین اعتبار مالی می‌کنند سپس نام مالکین و نقشه املاک واقع در طرح را تعیین می‌کنند و به مالکین دعوتنامه‌ای ارسال می‌شود که در صورت حصول توافق، شهرداری موظف است ظرف مدت ۳ ماه نسبت به خرید و تملک ملک اقدام کند.» وی درباره انصراف شهرداری یا عدم پرداخت مبلغ مورد توافق در مدت مذکور و بروز اختلاف مالی بین طرفین گفت: «در صورتی که مالک با شهرداری و برعکس به علت اختلاف قیمت به توافق نرسند با استناد به ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه و املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب سال ۷۰، شهرداری نامه‌ای خطاب به مالک برای معرفی کارشناس منتخب خود جهت قیمت‌گذاری عادلانه ملک اقدام می‌کند. یک کارشناس نیز از طرف شهرداری معین و کارشناس دیگری به عنوان مرضی‌الطرفین تعیین می‌شود.» وی می‌افزاید: «هیات کارشناسی مذکور نسبت به قیمت‌گذاری ملک- بدون درنظر گرفتن این موضوع که ملک در طرح تعریض قرار گرفته است- اقدام می‌کند و نظر اکثریت کارشناسان، ملاک تعیین قیمت است. این نظریه قطعی و لازم‌الاجرا است و به هیچ عنوان قابل تجدید نظرخواهی نیست.» مسئول حقوقی معاونت شهری شهرداری در ادامه صحبت‌های خود بحث کارشناسی را بخش مهم این قانون می‌داند و تاکید می‌کند مردم می‌توانند در پروژه‌های عمرانی با انتخاب کارشناس نسبت به حفظ حقوق و منافع خود اقدام کنند. این حقوقدان عدم آگاهی مردم از قانون شهرداری‌ها را یکی از مهمترین علت‌های ناآشنایی با حقوقشان می‌داند و می‌گوید: «در صورتی که مالکین از معرفی کارشناس خودداری کنند شهرداری با مراجعه به دادگاه و اعلام موضوع عدم حضور کارشناس و فوریت و ضرورت اجرای طرح، رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌کند. بر این اساس دادگاه ظرف ۱۵ روز از تاریخ درخواست شهرداری به قید قرعه اقدام به انتخاب یک کارشناس از میان کارشناسان رسمی دادگستری می‌کند. در واقع در اینجا مالک خود حقوق قانونی‌اش را سلب کرده است.» قانونگذار جهت حفظ حقوق و منافع مالکین در تبصره یک ماده ۵ قانون نحوه خرید املاک و اراضی تصریح می‌کند در مواردی که ملک محل سکونت یا امرار معاش مالک باشد شهرداری موظف است ۱۵ درصد بیشتر از قیمت ملک به مالک بپردازد. در این مورد به حقوق مالک اجحاف شده است. زیرا تشخیص محل سکونت یا امرار معاش بودن مالک به عهده شهرداری است. اگرچه قانونگذار در همان تبصره تاکید می‌کند در صورتی که مالک به تشخیص شهرداری اعتراض داشته باشد می‌تواند به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه کند. مسئول حقوقی معاون شهری شهرداری منطقه ۱۸ می‌گوید: «در صورت استنکاف مالک از فروختن ملک، شهرداری پس از طی مراحل کارشناسی ذکر شده و تعیین قیمت توسط هیات مزبور مبلغ کارشناسی را به صندوق ثبت محل ملک تودیع می‌کند. سپس از دادستان تقاضا می‌شود خود یا نماینده قانونی‌اش را برای انتقال سند به نام شهرداری در دفترخانه معرفی نماید.» پس از یک ماه شهرداری اقدام به تخلیه و خلع ید و اجرای طرح می‌کند. مالکین نیز می‌توانند برای دریافت حقوق مالکانه خود به اداره ثبت مراجعه کنند و در صورت مزاحمت مالکان، با دستور قضایی دادستان محل خطاب به کلانتری، با متخلفین برخورد قانونی می‌شود.

دهقانیان تاکید می‌کند: «در صورتی که به تشخیص وزیر کشور عدم اجرای فوری طرح موجب ضرر و زیان جبران‌ناپذیری شود، شهرداری می‌تواند قبل از انجام معامله قطعی، با تنظیم صورت مجلس تعیین وضع موجود ملک را با حضور مالک یا نماینده وی (در صورت نبود مالک نماینده دادستان) و کارشناس رسمی دادگستری نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام کنند.» وی گفت: «در ماده ۹ قانون تملک اراضی، اجحاف کاملی در حق مالک به علت امضای وزیر برای تایید ضرورت اجرای طرح می‌شود که شهرداری می‌تواند ملک را قبل از انجام معامله با مالک به تصرف خود درآورد و بهای ملک را تا حداکثر سه ماه بعد از تصرف ملک پرداخت کند.» وی درباره تنها راه‌حل قانونی برای جلوگیری از اعمال ماده ۹ می‌گوید: «طبق تبصره یک ماده ۹ مالک یا صاحب حق در صورت عدم دریافت بهای ملک در موعد مقرر می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه کند و توقیف عملیات اجرایی را تا زمان پرداخت بها درخواست کند، که در صورت پرداخت قیمت ملک، دادگاه خارج از نوبت به این پرونده رسیدگی می‌کند و دستور رفع توقیف و ادامه عملیات اجرای طرح را صادر خواهد کرد.» دهقانیان تعارض بین ماده ۹ و تبصره آن را یادآور شد و گفت: «تنها مشکل شهرداری با مالکین بر سر قیمت است و بحث مالکیت خصوصی مطرح نیست.» وی تاکید کرد: «در صورتی که مالکین با شهرداری به توافق برسند و یا کارشناس منتخب خود را معرفی کنند هم قیمت مطلوب خود را سریع‌تر دریافت می‌کنند و هم شهرداری در اجرای طرح‌های خود سریع‌تر عمل می‌کند و حقوق مالکین نیز تضییع نمی‌گردد.»

تامین امنیت وکیل مدافع

محمدرضا دلیر*

انتشار خبر قتل چند نفر از وکلای باسابقه دادگستری در جراید در ماه‌های گذشته از یک سو نشان از افزایش نرخ جرم و جنایت در کشورمان دارد و اینکه چگونه افراد به راحتی جسارت ارتکاب جرم را می‌یابند و از سوی دیگر مظلومیت وکلای دادگستری و خطیر بودن این حرفه را خاطرنشان می‌سازد.

وکلای دادگستری متاسفانه همواره مورد هجوم فیزیکی و یا تبلیغاتی قرار می‌گیرند. این امر ناشی از تبلیغات سوء برخی از رسانه‌های گروهی و فرهنگ‌سازی‌های نادرست و برخوردهای ناصحیح و تنگ‌نظری‌هایی است که بعضاً از سوی برخی از مراجع رسمی نسبت به این صنف روا شده و باعث تنزل شأن و مقام این شغل می‌شود. این بار نخست و یا آخرین باری نیست که وکلای دادگستری مورد حمله طرفین دعوا واقع می‌شوند. بدون تردید عدم آشنایی مردم با هدف و وظیفه وکیل دادگستری- که همانا دفاع از حقوق موکل در چارچوب قوانین و مقررات است- می‌تواند یکی از علل اصلی وقوع این گونه جرایم باشد. البته مطابق با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۷۱ وکلا به مانند قضات دادگستری دارای مصونیت در انجام وظیفه حرفه‌ای خود هستند و هم‌شأن قضات محسوب می‌شوند. اما متاسفانه در عمل این گونه نیست و وکلای دادگستری از کمترین امنیت برخوردارند و حتی آن‌طور که باید و شاید نمی‌توانند در برابر تهدیدها و خطرات بالقوه از خود محافظت کنند هرچند اخیراً به‌طور محدود وسایل دفاعی از سوی کانون محترم وکلای دادگستری در اختیار همکاران قرار گرفته است اما با توجه به ناامنی‌های موجود هنوز فاصله بسیاری تا نقطه مطلوب داریم که این امر باید مورد توجه جدی مسئولین مربوطه باشد. سئوال این است که آیا وکیل دادگستری مسئولیتی جز دفاع و حفظ حیثیت افراد مطابق با قانون دارد؟ پس چرا باید این گونه مظلومانه مورد تهاجم طرف مقابل دعوا قرار گیرد؟ هرچند مسئولین محترم ناجا و نیز مسئولین محترم قوه قضائیه با جدیت تمام درصدد دستگیری و مجازات عاملین این جنایات هستند اما به نظر اینجانب باید برای حل این مشکل به دو نکته توجه کرد: نخست آنکه باید فرهنگ استفاده از وکیل مدافع و هدف خطیر وکالت توسط مسئولین مربوطه اعم از صدا و سیما و قوه قضائیه و کانون‌های وکلا در سطح جامعه تبیین شود. (هرچند که متاسفانه در سال‌های اخیر اقدام به پخش برنامه‌ها و سریال‌هایی شده است که در آنها وکیل مدافع را در نقش جاعل و کلاهبردار نشان داده است!) از سوی دیگر باید ترتیبی اتخاذ شود تا وکلای دادگستری بتوانند از امنیت جانی و شغلی برخوردار شوند و باید با عوامل این گونه حوادث برخوردی عاجل صورت پذیرد تا دیگر شاهد این گونه جرایم نباشیم. متاسفانه در سال‌های اخیر این مسئله از سوی طرفین دعوا رایج شده است که در صورت عدم موفقیت در پرونده این امر را ناشی از اقدامات وکیل طرف متقابل دانسته و وکیل را مقصر اصلی در عدم توفیق خود قلمداد می‌نمایند. روزی نیست که وکلای دادگستری با انواع توهین‌ها و تهدیدات روبه‌رو نباشند.

اگر امنیت وکلا به طور کامل تامین نشود دیری نمی‌پاید که دیگر وکیلی حاضر نباشد از بیم جان خود به دفاع از حقوق مردم بپردازد و این امر بی‌تردید تاثیر منفی در روند حل و فصل دعاوی و سرعت رسیدگی به دعاوی خواهد گذاشت.

* وکیل دادگستری

در گفت‌وگو با بهمن کشاورز مطرح شد

ضرورت اصلاح قانون کار

پروین بختیارنژاد

امنیت شغلی و معیشت سالم کارگران از جمله نکاتی است که از طرف کارشناسان حقوقی و اقتصادی بارها بر آن تاکید شده است. اما قانون کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت در سال ۶۹ به‌رغم داشتن نکاتی در حمایت از کارگران به نظر کارشناسان دارای دو نقطه ضعف جدی است. اول آنکه قانون کار با به رسمیت شناختن قراردادهای موقت، موجب از بین رفتن امنیت شغلی کارگران شده است؛ اشکال دیگر نیز خروج کارگاه‌های دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول قانون کار است. بهمن کشاورز رئیس کانون وکلا در مورد قانون کار انتقادات هر دو گروه کارگر و کارفرما به قانون کار را به اعتباری درست می‌داند. او می‌گوید: «اگر نوع رابطه کار مبتنی بر قرارداد دائم باشد یا به گونه‌ای از نظر قانونی به قرارداد دائم منجر شود، کارفرما امکانات بسیار محدودی برای اعمال مدیریت خود خواهد داشت.»

کشاورز توضیح می‌دهد: «بحث اعاده به کار و اخراج کارگران بدون دلایل محکم افراد را در موقعیتی قرار می‌دهد که شاید از نظر اقتصادی قابل توجیه نباشد.» او با اشاره به شیوه واگذاری و فروش شرکت‌ها و کارخانه‌ها می‌افزاید: «به طور معمول خریداران هنگام معامله می‌گویند شرط صرفاً این است که کارخانه را بدون کارگر و کارکنان تحویل می‌گیریم و خریداریم. از طرف دیگر آنجا که بحث قرارداد موقت کار مطرح است چند روزی پیش از پایان مدت، قرارداد را فسخ و دوباره منعقد می‌کنند که البته گاهی منعقد نمی‌شود. در این شرایط کارگر هیچ تامینی ندارد و نمی‌تواند برای آینده خود برنامه‌ریزی کند.»

کشاورز می‌گوید: «نزدیک کردن منافع کارگر و کارفرما به هم باید دولت و قوای عمومی نقش پررنگ‌تری داشته باشند. به این معنا که باید بیمه بیکاری به شکل جدی‌تری در دسترس کارگران باشد. از این طریق می‌توان به کارفرما برای اعمال حقوق مدیریتی اختیارات بیشتری داد و در این صورت کارگران نیز بهتر حمایت می‌شوند.»

این وکیل دادگستری در پاسخ به این که قانون کار در کشورهای توسعه‌یافته دارای چه ویژگی‌هایی است، می‌گوید: «در کشورهای اروپایی کم‌جمعیت با دریافت مالیات مستقیم از صاحبان سرمایه و تعیین متناسب حقوق کارمندان و کارگران- تا حدی که فاصله درآمدها چشمگیر نباشد- عدالت اجتماعی را به طور نسبی برقرار کرده‌اند. اما کشورهایی که رژیم سرمایه‌داری به معنای اخص دارند، رابطه کارگر و کارفرما تابع قانون کلی عرضه و تقاضا است و دولت نیز خود را درگیر این قضیه نمی‌کند و به تبع آن ملاحظات انسانی نیز نمی‌تواند چندان مورد نظر باشد.»

کشاورز با تاکید بر شرایط خاص حاکم بر ایران می‌افزاید: «بدیهی است در کشور پرجمعیت ما که نظام سرمایه‌داری به معنای اخص حاکم نیست، باید به دنبال راه‌حل خاص ملی و بومی بود. به ویژه که بنابر ادعا روش‌های ما مختص خودمان است تا پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی همگان با رعایت اصول انسانی و عدالت اجتماعی باشد.» او طراحی نظام حاکم بر رابطه کارگر و کارفرما را بر عهده متخصصان اقتصادی دانست و گفت: «وظیفه حقوقدانان و قانونگذاران قانونمند کردن این طرح‌ها در قالب‌های قانونی است.» او در ادامه توضیح می‌گوید: «این اقدام باعث می‌شود که هم اعمال مدیریت برای کارفرمایان بیشتر و وسیع‌تر شود و از دیگر سو کارگران تحت پوشش بیمه قرار گیرند تا زندگی جاری آنها تامین شود و از آینده خود و خانواده‌شان مطمئن شوند.»

کشاورز می‌افزاید: «قانونمند شدن طرح‌های کارشناسان با اصلاح قانون کار، ساماندهی امور کارگران از طریق اقدامات و سیاست‌های دولت در خصوص انواع بیمه و مقررات مربوط به آن قابل وصول است.»

حقوق عاشقانه علیه حقوق کامجویانه

فلسفه از عقل محض و عقل حساب‌گر بهره می‌گیرد و به همین دلیل هم بهتر است به‌جای فلسفه حقوق خانواده بگوییم عرفان حقوق خانواده، چرا که در خانواده تعارض عقل و عشق مطرح می‌شود و حقوق خانواده نسبت به سایر مباحث حقوقی انحراف دارد.

دکتر حسن جعفری‌تبار استاد حقوق دانشگاه تهران در نشست انجمن علمی دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با موضوع فلسفه حقوق خانواده گفت: «حقوق قراردادها حداکثری است و تمام شئون قرارداد را در برمی‌گیرد درحالی که حقوق خانواده حداقلی است، حقوق خانواده حقوقی است که عشق می‌ورزد. حقوقدان‌ها هم به حقوق خانواده کمتر اهمیت داده‌اند، انگار چیزی است شبیه اخلاق.»

استاد حقوق دانشگاه تهران درباره دو پارادایم سنتی یا کامجویانه و پارادایم عاشقانه یا جدید گفت: «در حقوق کامجویانه نکاح به تمتع و استمتاع فرو کاسته می‌شود ولی در حقوق عاشقانه چهره‌های دیگر خانواده مثل محبت بین زن و مرد و محبت به فرزندان مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.»

جعفری‌تبار در مورد عشق در رابطه زن و مرد به وجود چهار مرتبه از پایین‌ترین مرتبه یعنی شهوت یا لیبیدو تا بالاترین مرتبه اشاره کرد و افزود: «عشق در مرتبه اول همان چیزی است که سبب جذب چیز دیگر می‌شود. به اصطلاح قدما قوه ملایمه و میل طبیعی زن و مرد به یکدیگر هم نخستین درجه عشق است.» وی افزود: «عشق دوم که سطحی بالاتر است نامش اروس است که اروس الهه‌ای است که تیری می‌زند به زمین و او را حامله می‌کند. اروس عشق رمانتیک و لطیفی است که میان دو جنس وجود دارد. امروز منظور از اروس عشق شهوانی است و این به دلیل چرخش معنایی این واژه است و در اروس شهوت هم وجود دارد ولی چیز دیگری هم هست؛ نیازی که انسان به توجه دیگری و شناخته شدن توسط دیگری دارد. به همین خاطر به اروس need love هم می‌گویند.» به گفته سخنران مرتبه بالاتر عشقی است که اروپایی‌ها به آن فیلیا می‌گویند که انس و محبت بهترین ترجمه‌اش است. در اینجا شهوتی وجود ندارد و دوست داشتن محض است. وقتی زن و مردی با هم ازدواج می‌کنند آغاز آن اروس است ولی با تداوم زندگی‌شان وارد فیلیا می‌شوند، یعنی چیزهای دیگری دارند که خلأهایشان را پر می‌کند. فیلیا همان چیزی است که اریش فروم نامش را وابستگی می‌گذارد که به اعتقاد او زیباترین و سالم‌ترین ارتباط با جهان است. جعفری‌تبار افزود: «مرتبه چهارم عشق عشقی است شگفت که در مولانا و حافظ می‌بینیم که غربی‌ها به آن آگاپه می‌گویند یعنی عشق به همه چیز. در فرهنگ اروپایی و مسیحی برای رسیدن به آگاپه باید عشق‌های دیگر را فدا کرد و به همین دلیل راهبه‌ها و راهب‌ها ازدواج نمی‌کنند. ولی در عرفان ایرانی این گونه نیست، یعنی عشق لابه شرط است در حالی که در عرفان مسیحی عشق به شرط لا است یعنی منوط به نفی عشق‌های دیگر است.» جعفری‌تبار توجه حقوق کامجویانه را معطوف به عشق شهوانی و توجه حقوق عاشقانه را معطوف به اروس، فیلیا و بعضاً آگاپه دانست و به تفسیر کامجویانه آیه‌ای از قرآن اشاره کرد که براساس این آیه هر گونه تمتع جنسی از زن را برای مرد مجاز می‌داند. سخنران در ادامه اختلاف این دو پارادایم را در پنج مورد تشریح کرد و افزود: «اختلاف اول در مورد تعریف نکاح است که بعضی از حقوقدانان از جمله دکتر امامی تعریفی کامجویانه دارند چرا که ازدواج را رابطه‌ای حقوقی می‌دانند که به‌وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌شود که به آنها اجازه می‌دهد از یکدیگر تمتع جنسی ببرند.» وی تعریف دکتر کاتوزیان را در حیطه حقوق عاشقانه دانست چرا که این حقوقدان هدف ازدواج را پایبند ساختن زن و مرد به خانواده و مکلف ساختن آنان به تربیت فرزندان می‌داند. جعفری‌تبار افزود: «اختلاف دیگر حقوق عاشقانه و کامجویانه این است که زن در حقوق کامجویانه شیئیت پیدا می‌کند و موضوع معامله قرار می‌گیرد. زن تنها چیزی است که موجب لذت مذکر است و وظایف او در تمکین خلاصه می‌شود. در حقوق کامجویانه ریاست مرد بر خانواده قاهرانه است ولی در حقوق عاشقانه مدیرانه است، حق و تکلیف دارد و نباید از حق خود سوءاستفاده کند.» جعفری‌تبار سومین اختلاف حقوق کامجویانه و عاشقانه را در ادبیات و طرز حرف زدن و کتاب نوشتن دانست و گفت: «لفظ عشق کمتر در حقوق کامجویانه به کار می‌رود و حقوقدان‌ها کسر شأن خود می‌دانند که در مورد عشق حرفی بزنند، ولی دکتر کاتوزیان مقاله‌ای می‌نویسد با عنوان توالد بدون عشق و شرم و ابایی از اینکه این واژه را به کار ببرد ندارد.» سخنران مهم‌ترین اختلاف حقوق عاشقانه و کامجویانه را وفاداری دانست و افزود: «حقوق کامجویانه به شدت این استعداد را دارد که مرد را تحریک کند که خیانت بورزد و از وفاداری سر باز زند. این زن است که باید وفادار باشد و کوچک‌ترین بدبینی مرد به زن، با شدیدترین ضمانت اجرا یعنی لعان مواجه می‌شود. ولی دکتر کاتوزیان وفاداری را به جد یکی از مصادیق حسن معاشرت مرد می‌داند.» جعفری‌تبار در مورد وفاداری زن به مرد تاکید کرد: «هر چند حقوق کامجویانه به آن اشاراتی می‌کند ولی گاهی تخطی‌های عجیب و غریبی از آن می‌کند مثلاً در زمانی که مرد به علت مجروح شدن در جنگ قادر به مجامعت نیست به زن حق طلاق می‌دهد و دکتر کاتوزیان در اینجا نیز تذکر می‌دهد که معاضدت، حسن معاشرت و وفاداری چه می‌شود؟»

وی به اختلاف دیگر حقوق عاشقانه و کامجویانه اشاره کرد و گفت: «در حقوق عاشقانه شهوت در جایگاه درست خود قرار گرفته است، چرا که این گوی را با چوگان هوس نمی‌زند و در مقام خودش می‌نشاند و مثال بارز آن هم این است که حقوقدانان سنتی ازدواج را در صورتی که زن و مرد شرط کنند با یکدیگر رابطه جنسی نداشته باشند صحیح می‌دانند ولی دکتر کاتوزیان این شرط را خلاف مقتضای ذات عقد می‌داند.» جعفری‌تبار در مورد این شیفت پارادایمی در حقوق خانواده ایران تصریح کرد: «فاکتورهای حقوق عاشقانه در آثار حقوقدانان دیگر از جمله دکتر امامی هم وجود دارد اما در این تقسیم‌بندی آنچه اهمیت داشت انسجام فکری بود که در آثار دکتر کاتوزیان دیده می‌شود. باید به این تغییر پارادایم احترام گذاشت و آن را پیگیری کرد تا از حقوق کامجویانه به سمت حقوق عاشقانه برویم.»

خبرها

برگزاری همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی

شرق: محمدمهدی ارگانی مسئول دبیرخانه این همایش با اشاره به حضور پژوهشگران و اندیشمندان داخلی و خارجی در این گردهمایی که نیمه نخست آبان سال جاری در قم برگزار خواهد شد اظهار داشت: «یکی از آسیب‌های اساسی و مهلک که از ابتدا جامعه بشریت را دچار هلاک و فساد کرده، بروز منازعات و مخاصمات مسلحانه بوده است که این تنازع معلول وجود تضاد و اختلاف افکار و تقابل منافع در جامعه و اثر طبیعی از آثار اجتماع بشر است.» ارگانی گفت: «بالطبع، مخاصمات مسلحانه منشاء بروز ناهنجاری‌هایی در رفتارها و برخوردها شده و غیرنظامیان را نیز دربرمی‌گیرد.» وی با بیان اینکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اقدام به تاسیس قواعد و اصولی تحت عنوان حقوق بین‌الملل بشردوستانه کرده، افزود: «این اصول و قواعد با هدف حمایت از رزمندگان و غیرنظامیان و رعایت حقوق آنان تدوین شده است.» مسئول دبیرخانه همایش گفت: «برگزاری همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که اهمیت موضوع، نو بودن آن در جهان تشیع و کشورمان ویژگی خاصی به آن بخشیده با هدف تبیین و تشریح دیدگاه اسلام بر اساس مکتب، سیره نظری و عملی اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه حقوق بشردوستانه است.» وی با دعوت از اندیشمندان و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی جهت ارسال مقالات به دبیرخانه همایش اظهار داشت: «همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در چهار محور اصلی مفهوم و مبانی نظری حقوق بشردوستانه و مقایسه آن با حقوق بشر و حقوق توسل به زور، اصول و قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در اسلام، قربانیان درگیری‌های مسلحانه و راه‌های حمایت از آنها از دیدگاه اسلام و چالش‌های جدید و حقوق بشردوستانه برگزار می‌شود.»

احتمال آزادی محسن درستکار با سپردن وثیقه ۳۰ میلیونی

ایسنا: عبدالصمد خرمشاهی از تودیع وثیقه ۳۰ میلیون تومانی صادر شده برای محسن درستکار خبر داد و گفت: پس از تودیع وثیقه احتمال اینکه این موکل امروز آزاد شود، وجود دارد. یکی از وکلای پرونده متهمان نشریه تمدن هرمزگان اظهار داشت: «سندی که الهام افروتن تودیع کرده بود، مورد قبول دادگاه قرار نگرفته و احتمالاً هفته آینده این مشکل حل خواهد شد.» پیش از این نعمت احمدی دیگر وکیل این پرونده گفته بود که قرار است قرار بازداشت الهام افروتن و محسن درستکار فک شود و دادگاه با تبدیل قرار بازداشت آنها به وثیقه ۳۰ میلیونی برای هر یک از آنها موافقت کرده است. جلسه رسیدگی به اتهامات الهام افروتن و محسن درستکار به صورت غیرعلنی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار شده بود و به گفته وکیل مدافع الهام افروتن، در این جلسه متهمان و وکلای مدافع آنها در برابر اتهامات انتسابی دفاع کرده و این اتهامات را رد کردند و آخرین دفاع اخذ شد. بنا به گفته وکلای این پرونده، حسب کیفرخواست صادره، اتهامات انتسابی به متهمان پرونده عناوین مجرمانه موضوع مواد ۵۱۴، ۵۰۰، ۶۰۹ و بند سوم ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی عنوان شده است.

ارسال پرونده یکی از کارگران بازداشت شده شرکت واحد به دادگاه انقلاب

ایسنا: پرونده منصور اسانلو یکی از بازداشت‌شدگان پرونده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به دادگاه انقلاب ارسال شد. وکیل مدافع این متهم گفت: با توجه به اینکه پرونده موکلم به شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب ارسال شده و قرار صادره برای وی قرار بازداشت موقت بوده است، از دادگاه تقاضا کردم این قرار به قرار وثیقه تبدیل شود.

برخورد قاطع با جرایم سازمان‌یافته در استان سیستان و بلوچستان ضروری است

ایسنا: دری نجف‌آبادی در جلسه تودیع حجت‌الاسلام ابراهیم نکونام معاون قضایی سابق دادستان کل کشور برخورد قاطع با جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر، اسلحه، آدم‌ربایی، جاسوسی، بی‌بندوباری و... را در آن منطقه ضروری و لازم دانست و از رئیس دادگستری جدید استان هرمزگان خواست با هماهنگی با ارگان‌های انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی از پتانسیل بالقوه علما و مردم منطقه استفاده بهینه کند. دری نجف‌آبادی افزود: آمایش سرزمین، توسعه، پیشرفت، ایجاد اشتغال سالم و مولد و اقدامات سازنده دیگر نیز باید